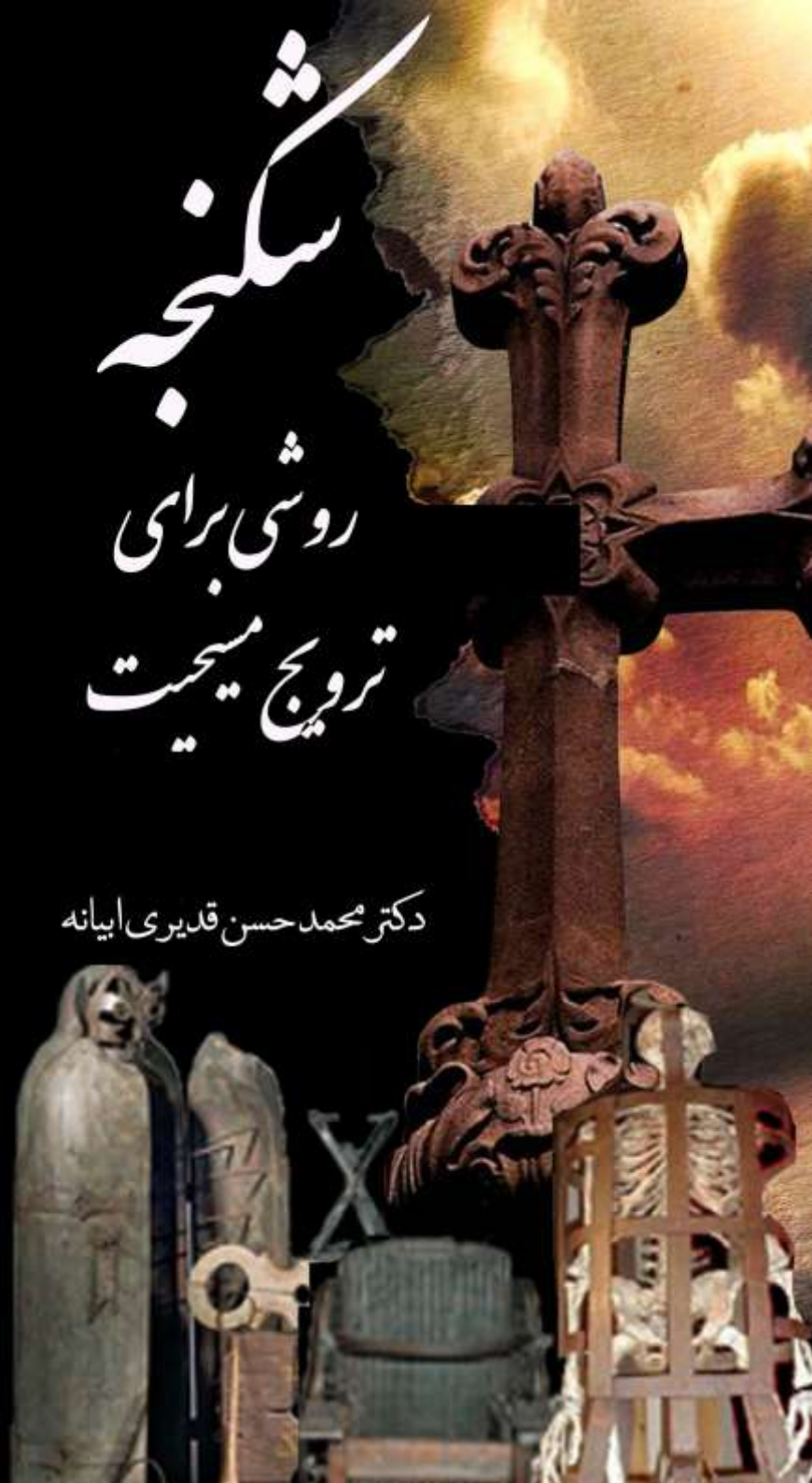


شکجه

روشی برای
ترویج مسیحیت

دکتر محمد حسن قدیری ایبانه



در حالی که مسیحیان در اقدامات تبلیغی خود، کلیساها و مسیحیان را صلح‌دوست و انسان‌دوست و به دور از خشونت معرفی می‌کنند، شکنجه ابزار عادی آنان در تغییر مذهب دیگران و تحمیل دیدگاه‌های‌شان داشته است. شکنجه‌های بسیار فجیع که به‌ویژه در مستعمرات به کار می‌پسته‌اند.



صدور حکم اعدام برای گالیله به این دلیل که زمین را کروی معرفی کرده بود، زبان‌زد خاص و عام می‌باشد.

«در طی دوره قرون وسطی و حاکمیت کلیسا کار پاپ و روحانیت مسیح تکفیر و تحریم بود و میلیون‌ها انسان حق‌جو و دانشمند را اعدام و شکنجه کردند. پاپ و روحانیت کلیسا در این دوران جان‌ملت‌ها را به لب رساندند. آنان دستگاه گسترده تفتیش عقاید و افکار دایر کردند و کلیه مخالفان فکری عقیدتی خود را اعدام و سرب‌نیست کردند. نویسنده کتاب علم و دین می‌گوید: در این دوره سیاه پنج‌میلیون نفر به جرم اندیشیدن و سرپیچی از فرمان پاپ به دار زده شدند، گروه بسیاری را در سیاه‌چال‌های تاریک و مرطوب روم و... زندانی کردند، از سال ۱۴۸۱ تا ۱۴۹۹ میلادی، یعنی در طی هیجده‌سال به دستور دادگاه تفتیش عقاید، ۱۰۲۲۰ نفر را زنده سوزاندند، ۶۸۶۰ نفر شقه کردند و ۹۷۰۲۳ نفر را زیر شکنجه کشتند»^۱

تصاویر زیادی با جست‌وجو در صفحات تصاویر



سایت‌های جست‌وجو و با واردکردن دو عبارت شکنجه و کلیسا (Torture + Church) قابل مشاهده می‌باشد.

۱. ر.ک: عبدالله مبلغی آبادانی، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، جلد

امروزه موزه‌های زیادی در جهان وجود دارند که ابزار شکنجه و طریق انجام آن را به نمایش گذاشته‌اند. یکی از موزه‌های مورد اشاره در شهر مکزیکوسیتی قرار دارد که نگارنده شخصاً از آن بازدید کرده است. صندلی تمام میخی و نیز سایر ابزار شکنجه مورد استفاده کلیسا برای قبولاندن تثلیث ظرف هیجده سال ۶۸۶۰ نفر با اره شقه شدند.





اره‌های بزرگی که برای دونیم کردن متهم به کار می‌رفته است، یا میله‌هایی که از مقعد زندانی فرو رفته و از دهانش خارج می‌گردد، یا هرم‌هایی چوبی یا فلزی که مقعد معارض را روی آن قرار داده و او را به پایین می‌کشند تا متهم دونیم شود و بسیاری از شکنجه‌های دیگر از قبیل کندن پوست کامل فرد در حالی که زنده است. شکنجه‌گران آن، کشیشان و راهبه‌ها بوده‌اند و در موارد زیادی شکنجه‌گاه‌ها در خود





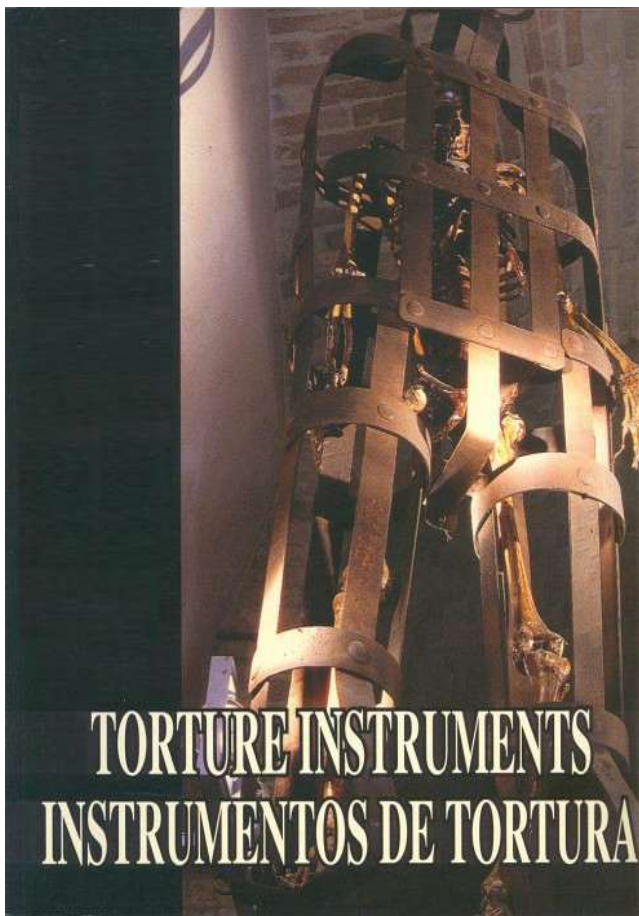
کلیساهای بوده است.

ابزار مندرج در تصویر را وارد رحم یا مقعد کرده، سپس با پیچاندن آن، پره‌ها را باز و از درون بدن پارگی ایجاد می‌کردند.





در تصویر فوق مقعد یا دریچه رحم فرد را در نوک تیز
جسم حرمی شکل قرار داده، آن را به پایین می کشند تا او را
پاره پاره کنند. تصویر زیر پوزه بند برای زندانیان است.





© THE MARSDEN ARCHIVE

فرد را پس از شکنجه‌های بسیار در درون قفسه فلزی قرار می‌دادند و به او آب و غذا نمی‌دادند تا یا به اعتقاد مسیحیان در آید و مسیح را خدای خود بداند و یا از گرسنگی بمیرد و بر اثر مرور زمان استخوان‌هایی بیش از او نماند. نمایش این وضعیت برای ایجاد رعب و وحشت در دیگر زندانیان نیز مفید تشخیص داده می‌شد.





تصویر یک شکنجه رایج در ملأ عام برای ترویج مسیحیت





کندن پوست کامل افراد زنده در شکنجه‌گاه‌های کلیسا یکی از روش‌های معمول بوده است.



تصویر ، شکنجه‌گران را در حال بریدن پوست دست نشان می‌دهد.



غرق آب مصنوعی که امروزه آمریکایی‌ها در شکنجه به کار می‌گیرند، در قرون وسطی توسط کلیسا به کار گرفته می‌شد



[tormentodelagua02.jpg](#)

400 × 295 - Medieval waterboarding used on a heretic or witch by the Catholic Church

کفر بودن مسکونی دانستن آن سوی زمین!!

کشیشیان مسیحی معتقد بودند هرکس به آباد بودن آن سوی زمین معتقد باشد، امکان ندارد بتواند از آتش دوزخ فرار کند و برخی از پاپ‌های کلیسا بر این اعتقاد بودند که رهایی از آتش نه غیرممکن، بلکه بسیار دشوار است.

اعتقاد به اینکه در طرف دیگر زمین نیز مردمانی زندگی می‌کنند، به کشمکش‌های سختی منجر شده است که البته با انواع آزارها و شکنجه‌ها همراه بوده است.

به نظر کشیشیان قبول وجود حیات در آن سوی زمین به معنای اعتقاد به وجود جایی است که در آن، انسان‌ها وارونه راه می‌روند، درختان وارونه می‌رویند و باران و برف از پایین به بالا می‌رود!!

آنها می‌گفتند که اعتقاد به وجود حیات در آن سوی زمین نمی‌تواند معنایی جز این داشته باشد که عیسی مسیح برای آمرزش گناهان مردمان آن طرف زمین، به آنجا نیز رفته و در آنجا به صلیب کشیده شده است.

از این گذشته «آگوستین» مقدس صراحتاً گفته بود که در عهد قدیم (تورات) چیزی حاکی از وجود نژادی از نوع بشر که در آن طرف زمین زندگی می‌کند، دیده نمی‌شود. وانگهی خداوند چگونه راضی می‌شد که عده‌ای از انسان‌ها در جاهایی زندگی کنند که هنگام آمدن مسیح از آسمان به زمین، موفق به دیدار او نشوند؟! در صورت وجود چنین سرزمین‌هایی، خبر ظهور مسیح و نزول / انجیل نمی‌توانست به آنها رسیده باشد؛ در حالی که «مزمور نوزدهم» از «مزامیر داوود» می‌گوید: «گفتار او به هر سرزمینی رسید و سخنان او تا جایی که آبادی بود، منتشر شد».

اینکه فرستادگان پولس پیامبر، که نقش مبلغان مسیحی را داشته‌اند، به برخی از سرزمین‌های مسکونی نرسیده‌اند، دروغ‌بستن به پولس پیامبر و روح‌القدس است.

کلیسا و مردم مسیحی، این اظهارات «آگوستین» را به عنوان تعالیم مقدس مسیحیت پذیرفتند و حدود ده قرن کسی جرئت تشکیک در درستی آنها نداشت. حتی مفسرانی نظیر «ایسیدوروس اشبیلی» که در قرن شانزدهم می‌زیست و به کروی‌بودن زمین شده معتقد بود، جرئت اقرار به مسکونی‌بودن تمام طرف‌های زمین را نداشت. اما نمی‌توان انکار کرد که همه اندیشمندان و علما با کلیسا هم عقیده نبودند.

«آلبرت» بزرگ، از جمله کسانی است که معتقد به آبادانی همه قسمت‌های زمین بوده است. البته او نظریات خود را از آثار مسلمانان آموخته بود.

به هر حال، کلیسا همچون همیشه به تعقیب و آزار مخالفان خود برخاست و در این راه باز هم به محکمه‌های تفتیش عقاید و آتش و شمشیر متوسل می‌شد، تا آنها را از اعتقاد خود باز گرداند.

مثلاً در سال ۱۳۱۶ میلادی، ارباب کلیسا تصمیم به اعدام «پتر آلبانویی» گرفتند. کلیسا همچنان به آزار مخالفان ادامه داد و درهای روزی را به روی آنها بست. برای مثال در سال ۱۳۲۷ میلادی، «سکودواسکالی» ستاره‌شناس معروف، به اتهام سحر و جادو، از مقام استادی خود در دانشگاه عزل و در فلورانس به آتش سپرده شد.

هردوی این متفکران به وجود حیات در آن سوی زمین معتقد بودند. نقاش چیره‌دستی به نام «اورینگن» صحنه سوختن این ستاره‌شناس را در تابلوی نقاشی خود که در

شهر پیزا بر دیوار کمپ سانتس نصب شده، به تصویر در آورده است.

کلیسا بر اساس همین عقیده خود مبنی بر آبادنبودن آن سوی زمین، مشکلات بسیاری برای «کریستف کلمب» ایجاد کرد تا بدین وسیله از سفر اکتشافی او جلوگیری کند؛ سفری که به کشف قاره آمریکا منجر شد.

کلمب پس از اینکه از پشتیبانی مجلس «ژنو» ناامید شد، از پادشاه پرتغال «ژال دوم» درخواست کمک کرد. پادشاه پرتغال نیز کار او را به مجمعی از علما ارجاع نمود که پس از بررسی‌های لازم آنها نیز درخواست کلمب را برای حمایت از سفر اکتشافی‌اش رد کردند. معروف است یکی از آنها به نام اسقف «سنتا» او را به شدت مسخره کرد.^۲

حاکمیت کلیسا و باورهای مسیحیت تحریف شده عامل مهمی در عدم پیشرفت علمی و صنعتی جهان مسیحیت بود و نهضت‌های آزادیبخش که گاه با جنگ‌ها و انقلاب‌های خونینی همراه بود، کلیسا را از حکومت ساقط کرد و از آن پس پیشرفت علمی و صنعتی غرب آغاز شد. در حالی که اسلام همواره مشوق علم‌آموزی بوده، کلیسا به دلیل ورود خرافات به آن، مانع پیشرفت علمی محسوب می‌شده است.

۲. ، نرگس یزدی و معصومه امیرلو، اسناد تاریخی تقدیم به عالیجناب پاپ، ص ۷۶.



نقاشی مربوط به محاکمه گالیله به دلیل کروی دانستن زمین



بخش پایانی از کتاب نیمه پنهان مسیحیت

WWW.GHADIRI.IR

MH.GHADIRI@GMAIL.COM